

# جامعه شناس نواندیش و فقیه جزم اندیش

حاشیه ای بر مناظره قلمی حسن محدثی و جعفر سبحانی



محسن کدیور

۱۹ اسفند ۱۳۹۸

حسن محدثی گیلوایی جامعه شناس دین و عضو هیأت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در [نشست فرهنگ](#) در سرای کتاب موسسه خانه کتاب در بهمن ماه سال جاری با اشاره به «شکاف میان فرهنگ واقعی و آرمانی» و «تعارض بین فرهنگ خرد و فرهنگ کلان در ایران معاصر» گفت: «فرهنگ کلان ویژگی‌هایی را به ما تحمیل می‌کند که دین موجود هم در تحکیم آن نقش دارد، در حالی که این عناصر ضد وجود ما هستند. فرهنگ کلان ما براساس اخلاق، دین و عرف سرکوبگر، انسان ایرانی را منقاد می‌خواهد. او مجبور است خواسته‌ها و نیازهای طبیعی‌اش را سرکوب کند. باید از نقد فرهنگ انقیاد کار خود را آغاز کنیم و جوانان ما باید الگوهای رفتاری را عوض کرده و این فرهنگ را طرد کنند. باید انسان، تعیین‌گزارده شود؛ انسانی که عشق، امر جنسی و ... برایش تابو نباشد و بتواند برای خواسته‌ها و نیازهای خود تصمیم بگیرد.»

به دنبال درج خلاصه‌ای از این اظهارات به گزارش خبرگزاری ایبنا در روزنامه اطلاعات، جعفر سبحانی تبریزی متکلم، فقیه، مفسر، مرجع تقلید و استاد حوزه علمیه قم در [نامه‌ای به محمود دعایی](#) سرپرست مؤسسه اطلاعات از انتشار آراء یادشده انتقاد کرد. استباط وی از سخنان محدثی این بود که «رفتارهای حاکم بر جامعه ما که همان تربیت اسلامی است با عناصر فرهنگی ذاتی انسانی ایرانی در تضاد است یعنی در سرشت انسان ایرانی این نهفته است که رفتارهای اسلامی با فطرت او سازگار نیست و باید آنها را سرکوب کند.» با چنین برداشتی می‌پرسد: «آیا قوانین حاکم بر کشور ما که نشریات باید بر آن اساس حرکت کنند، اجازه نشر این افکار را می‌دهد؟ و رسماً بگوید رفتارهای حاکم بر جامعه با فرهنگ انسانی در تضاد است؟»

به نظر سبحانی محدثی «دعوت به اباحی‌گری» کرده است. سبحانی از دعایی می‌خواهد که «اجازه ندهد این نوع مطالب ویرانگر اخلاق بدون نظارت چاپ شود.» به نظر وی «امروز فساد و دعوت به اشباع تمایلات جنسی

از هر راه صحیح و ناصحیح، و قانونی و غیر قانونی در فضای مجازی غوغا می کند، دیگر نباید روزنامه اطلاعات ناخودآگاه با آنها هماهنگ باشد.» در انتهای نامه وی تلویحا از اخراج این جامعه شناس از دانشگاه دفاع می کند: «تأسف آنجا است که اطلاع یافته ام گوینده این سخن، استاد دانشگاه آزاد اسلامی است! دست پرورده چنین استادی چه خواهد بود؟»

روزنامه اطلاعات ضمن درج [پاره ای از نامه سبحانی](#) عملا از پیگیری مناظره کتبی کنار می کشد. حسن محدثی در نامه ای که در شبکه های اجتماعی منتشر شده به اعتراض سبحانی [پاسخی عالمانه](#) می دهد، که سندی تاریخی از زمانه ماست. شاگردان سبحانی در [دفتر وی](#) هم در دفاع از موضع استادشان به منتقد پاسخی جزم اندیشانه و جدلی دادند. در این مجال ولو با تاخیر به دو نکته اشاره می کنم.

۱



من مدت کوتاهی در دهه شصت شاگرد استاد سبحانی بوده ام، اتفاقا حدود یک هفته در کتاب نکاح و چند ماهی در بحث رجال. به علاوه از آثار مکتوب ایشان خصوصا در اصول فقه، کلام، و تفسیر استفاده کرده ام. سبحانی عالمی پرکار و خدوم است. اوقاتش بیشتر مصروف تحقیق، تألیف و تدریس شده و کوشیده از برخی حواشی که بعضی مراجع و فقها به آن مبتلا هستند فاصله بگیرد. در مرزبانی باورهای اسلامی و عقاید شیعی حساس است و در حد توانش کوشیده نگهبان سنت اسلامی و شیعی باشد.

در مقابل هرگز محدثی را ملاقات نکرده ام، اما برخی کارهای او را خوانده ام و در دی ماه سال جاری به پرسشهای او درباره [روابط دختر و پسر](#) پاسخ داده ام. محدثی جامعه شناسی است که درد دین و وطن دارد، تهمت ترویج اباحی گری هرگز به او نمی چسبد، و مایه خوشوختی است که هنوز چنین اساتیدی در دانشگاههای ایران امکان تدریس دارند.

سوابق حوزوی نگارنده قاعدتا با سبحانی تناسب بیشتری دارد و اقتضا می کند که در مناظره پیش آمده جانب مرجع تقلید را بگیرم و در نقد جامعه شناس قلم بزنم، اما برعکس اموری فراتر از سابقه و صنف مطرح است و آن رویکرد نواندیشانه و انتقادی، انصاف علمی و حقیقت است. رویکرد سبحانی و شاگردانش به معارف اسلامی «رویکرد سنتی و جزم اندیشانه» است. در حالی که محدثی رویکردش به معارف اسلامی «نواندیشانه و مبتنی بر تفکر انتقادی» است. طبیعی است که از محدثی دفاع کنم و موضع سبحانی را شایسته نقد جدی بدانم.

به لحاظ انصاف علمی و حقیقت آنچه سبحانی در نامه اش نوشته است مطلقا قابل دفاع نیست. تمایز دین ملموس در جوامع با دین عرضه شده در مدارس و حوزه ها (دین علما) غیرقابل انکار است. جامعه شناس سر و کارش با دین کوچه و بازار یا دین رایج در سطح جامعه است. این اسلام به شدت قابل نقد است. مسلما تعالیم حوزوی در شکل گرفتن به اصطلاح اسلام عوام بی تاثیر نبوده است. اسلام در کتاب و سنت هم سطحی عالی تر است. اگر قداستی هست متعلق به این سطح عالی است، و الا چه تلقی علما و چه عملکرد مردم از اسلام هیچکدام قداستی ندارند و نقد اسلام در این دو سطح معنایش تعرض به خدا و پیامبر نیست.

این که گفته شود اسلام یکی بیشتر نیست و تمایز این سطوح به رسمیت شناخته نشود مایه تاسف شدید برای مقام محترم ریاست مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم است. سبحانی شاخص ترین نماینده رسمی کلام شیعه معاصر است. اگر چه در مقایسه با بسیاری از مراجع تقلید، فقها و متکلمان معاصر سبحانی بازتر می اندیشد، با این همه تفکر او تا مستوای مطلوب و متوقع از اسلام محمدی و تشیع علوی فاصله فراوان دارد. با تلخی باید

پرسید این تفکر نحیف، بسته، محصور در حصار گذشته و بی خبر از مقتضیات دنیای جدید چگونه می تواند از حریم باورهای اسلامی و شیعی معاصر پاسداری کند؟

تفکر سنتی معاصر تشیع که سبحانی از نمایندگان شاخص آن است، بدون مجامله با آزادی سر سازش ندارد. اینکه هر برداشت متفاوتی از اسلام ولو از یک استاد دانشگاه و از یک جامعه شناس آن هم در حوزه تخصصی اش سرکوب شود و از موضع ارتفاع فرمان حذف و سانسور انتشار و تلویحا اخراجش از دانشگاه داده شود معنایش چیست؟ بدون آزادی ابراز عقاید متفاوت علمی و دینی اسلام امکان شکوفایی ندارد. همین تفکر بسته در سیاست هم به نام دین و مذهب به منتقد و مخالف مسالمت جو امکان عرض اندام نداده است. لذا بدون تعارف تفکر سنتی معاصر اسلامی پشتیبان استبداد فکری، دینی و سیاسی است.

تفکر اسلامی (در دو سطح عوام و خواص حوزوی) مروج فرهنگ انقیاد و اطاعت، خمودی و بی نشاطی، و سرکوب عواطف و احساسات متعارف بشری است. نقد این فرهنگ نحیف به معنای رواج اباحی گری نیست، اما به معنای لزوم بازنگری منضبط در مناسبات جنسی و عشق مادی با رعایت اصل پاکدامنی و عفاف است. اگر فقها و شریعتمداران در این امور به پوست انداختن جامعه توجه نکنند و در فضای جدید با روش اجتهاد در مبانی و اصول به استنباط نپردازند و فتاوی متعلق به شرایط زمانی مکانی متفاوت را مقلدانه تکرار کنند عملا اسلام را از داوری در امور خانوادگی حذف کرده اند. من با محدثی در لزوم بازنگری در این حوزه کاملا موافقم اگرچه در پاره ای جزئیات آن چنان که نوشته ام نیاز به مباحثه بیشتری است.



به کوشش های علمی جامعه شناسان و دیگر دانشمندان و اساتید علوم انسانی باید به دیده احترام و تقدیر نگریست و از دستاورد آنها در غنی کردن معارف اسلامی بهره برد. فقه و کلام بر علوم انسانی و اجتماعی یا علوم تجربی ولایت و قیمومت ندارند. در منصفانه ترین حالت می توانند در داد و ستد علمی با این معارف بشری وارد شوند. لازمه داد و ستد فکری، تضارب آراء و گفتگوی خردمندانه پذیرش بشری بودن فقه و کلام و عدم قداست آنهاست. قداست خدا و کلام الهی نباید باعث مغالطه قداست برداشت علما اعم از متکلمان، فقیهان و مفسران قرآن و سنت شود. معنای اختلاف نظر متألهان و فقیهان حتی در یک مذهب چیزی جز بشری بودن، قابل نقد بودن و عدم قداست آراء آنها نیست.

فقه و کلام سنتی چندین قرن است از شکوفایی و پیشرفت متناسب با تحولات اجتماعی فرهنگی سیاسی اقتصادی باز مانده است. رفع این نقیصه متوقف بر به رسمیت شناختن نقش علوم غیردینی (یا علوم سکولار) یعنی انواع علوم انسانی، اجتماعی و تجربی است. یکی از این علوم یقیناً جامعه شناسی است. بدون اطلاع از مبانی جامعه شناسی آراء کلامی و فتاوی فقهی در فضائی انتزاعی و بریده از جامعه متدینان صادر می شود و چکش برجایی

کوبیده می شود که میخ آنجا نیست. بسیاری از فتاوا و آرای متألهان معاصر مسلمان (اعم از شیعه و سنی) پاسخگوی نیازها و پرسشهای انسان معاصر نیست، شاید پاسخگوی انسان سه یا چهار قرن قبل باشد!

بسیاری از اساتید و دانشمندان علوم انسانی، اجتماعی و تجربی (از جمله جامعه شناسی) تعلق خاطری به دین (از جمله اسلام) ندارند. اقلیتی در عین وفاداری به دانش تخصصی خود به اسلام و تشیع باور دارند. واضح است که برداشت دینی این جامعه شناسان (یا دیگر دانشمندان و اساتید علوم انسانی، اجتماعی و تجربی) با برداشت جزم اندیشانه، غیرتاریخی و سنتی حوزه های علمیه تفاوت اساسی دارد. اینکه روحانیون مسلط همان اقلیت دیندار اساتید علوم انسانی و اجتماعی را اینگونه طرد و قلع و قمع کنند ندانسته ترویج ناسازگاری علم دین و عقل و وحی است. در میان جامعه شناسان ایرانی چند نفر مانند محدثی پیدا می شود؟

انصاف و اخلاق علمی اقتضا می کند که متکلمان، فقیهان و شریعتمداران سنتی با سعه صدر مدارا پیشه کنند و به جای دور باش و کورباش و سیاست سرکوب و سانسور و زبان تهدید و تفرعن با منطق استدلال و برهان با دانشمندان و اساتید علوم انسانی و اجتماعی و تجربی در فضائی آزاد وارد گفتگوی خردمندانه و تضارب آراء عالمانه با حقوق مساوی شوند. در چنین گفتگوهای علمی قوت و توان علمی تفکر سنتی محک می خورد و عیار آن مشخص خواهد شد. این روش محمد مصطفی، علی مرتضی و صادق آل محمد بوده است.

۱۹ اسفند ۱۳۹۸



[kadivar.com](http://kadivar.com)

<https://kadivar.com/17821/>

[kadivar.mohsen59@gmail.com](mailto:kadivar.mohsen59@gmail.com)

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.